

مظلومی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»: می‌دانستیم ستاره‌ها مهم می‌شوند مفت از دست‌شان نمی‌دادیم

# افکار عمومی را سمت استراهاچونی نکشید، مجیدی باید بماند

■ اگر سیاسی بودم ۴ سال در خانه نمی‌ماندم ■ رضایی؟ کسی که حرفش یک شبه عوض شود همان بهتر که نباشد

شایعاتی هم وجود داشت مبنی بر اختلاف بین بازیکنان استقلال و مجیدی و این‌طور عنوان کرده بودند که در صورت ابقای مجیدی برای فصل آینده برخی بازیکنان مثل علی کریمی از استقلال جدا خواهند شد! چنین مسائلی وجود ندارد. فرهاد را بچه‌ها دوست دارند و خودش هم این موضوع را می‌داند. اینها هم شیطنت‌های رسانه‌ای است. الان فضایی که در مورد استراهاچونی درست کرده‌اند را ببینید. او مربی خوب و زحمتکشی بود و تلاش‌های زیادی را برای استقلال متحمل شد، اما او هم در هفته‌های نخست با استقلال نتیجه لازم را نگرفت و بعد به‌مرور این اتفاق افتاد و توانست این تیم را تا صدر جدول پیش ببرد. آمارها همه مشخص هستند و می‌توانید آمار روزهای اول و روزهای آخر سرمربی ایتالیایی را ببینید و با هم مقایسه کنید. الان هم که دوباره فضا را به‌سمتی بردند که رسانه‌ها مدام اسم این مربی ایتالیایی را می‌آورند و انگار یادشان رفته که از نبودن و رفتن استراهاچونی در آن ماه‌ها تا چه اندازه استقلال لطمه خورد. هرچند بودنش هم موجب استفاده این تیم بود، اما باشگاه از نبودنش به‌اندازه کافی لطمه خورد، بنابراین ذهن‌ها را به‌سمت‌وسوی دیگر تبرید و اجازه دهید فرهاد کارش را بکند و تیم برای سال آینده آرامش داشته باشد و خوب بسته شود و با آرامش نیز کارشان را انجام بدهند. همیشه در فصل نقل‌وانتقالات این مسائل وجود داشته که به‌طور مثال می‌گویند این می‌رود و آن می‌آید و همیشه هم در رسانه‌ها چند بازیکن‌مان رفتنی هستند و چند نفر دیگر هم پیشنهاد از اروپا و خارج از کشور دارند، با این حال هواداران باید یک مقدار صبر و حوصله داشته باشند، هرچند می‌دانم صبر و حوصله‌شان هم تمام شده، چون در این ۴ سال تیم مشکلاتی داشته که نتوانسته قهرمان شود و بیشترین فشار و ناراحتی را آنها متحمل شده‌اند. درست است که در این چند سال اخیر دوباره قهرمان جام حذفی شده‌ایم، اما برای لیگ دیگر نوبت استقلال است و انشاءالله فصل آینده استارت قهرمانی را خواهد زد.

یکی از سایت‌های معاند بعد از انتخاب شما به‌عنوان سرمربی تیم ملی جوانان این‌طور تیتیر زده بود که انتخاب مظلومی برای تیم ملی یک انتخاب سیاسی است.

آنها از همه چیز ایراد می‌گیرند، ولی شما بدانید اصلا پرویز مظلومی سیاسی نیست و مملکتش را دوست دارد و اگر موردی هم باشد، با جان‌ودل جلو می‌رود، هرچند خوشحالم که بیگانه‌ها این‌طور ما را سیاسی می‌دانند. اما رزومه مظلومی کارنامه اوست. اتفاقا خیلی‌ها هم به من گفتند تیم ملی جوانان برای تو کوچک است، اما در پاسخ گفتم خدمت کردن به مملکت کوچک و بزرگ ندارد. وقتی که پیشنهاد شد فقط خدمت به مملکت را دیدم. آن‌هم برای تیمی که روی زمین مانده بود و تا قبل از من هم به چند نفر پیشنهاد شده بود، اما نمی‌ماندند، و من آمدم تا کمک کنم. تا جایی که بتوانم، تجربیاتم را به جوانان انتقال می‌دهم و به‌قدری تجربه دارم که بتوانم این کار را به‌نحو احسن انجام بدهم. در صورت در این مملکت بنده یک زمانی سرمربی تیم ملی فوتبال ایران بودم. به‌همراه یک‌سری از مربیان جوان، کارها را پیش می‌بریم و با یک برنامه‌ریزی خوب سعی می‌کنیم تجربیات مان را به بهترین شکل انتقال داده و موفق شویم. تا به‌حال که استقبال بزرگان فوتبال در داخل و رسانه‌ها از این انتخاب خوب بوده و در مورد خارجی‌ها هم خوشحالم که این حرف‌ها را می‌زنند و چنین نظراتی دارند. اما مطمئن باشید اگر مظلومی سیاسی بود، چهارسال در خانه نمی‌نشست و اگر سیاسی بود، در استقلال سال دومی که قرارداد داشت، به‌راحتی او را کنار نمی‌گذاشتند و راحت به‌واسطه همین مسائل سیاسی می‌ماند. خیر این‌طور نیست، ما همیشه نان بازاری خودمان را خورده‌ایم.

تا چه اندازه برای موفقیت با تیم ملی جوانان انگیزه و برنامه دارید؟ می‌توانید با این تیم به جام جهانی صعود کنید؟ ما تمام تلاش مان را می‌کنیم، هرچند شرایط دشوار است و به‌واسطه کرونا و اتفاقاتی که در این چندماه افتاده یک مقدار وضعیت پیچیده است. نداشتن بازی تدارکاتی و موارد دیگر هم به دشواری اوضاع کمک کرده است.

رحمان رضایی چطور یک شبه از دستگیری شما انصراف داد؟

من هم نمی‌دانم. او روز قبل صحبت کرده بود که می‌آید و در جلسه ما هم حاضر شد، اما فرمایش اعلام کرد نمی‌آید. در این خصوص من هم مطلع نیستم و بهتر است از خودش سوال کنید، اما کسی که در یک روز تصمیم می‌گیرد نباید و فردایش می‌گوید نمی‌آیم، بهتر است اصلا نباشد.

یعنی الان فقط حضور حسین کاظمی در تیم ملی قطعی شده است؟

در حال حاضر دوسه نفری هستند که باید بررسی‌های لازم را روی آنها انجام بدهیم. تیم ملی مثل باشگاه نیست و مربی تیم ملی را باید خیلی جاه‌تایید کنند. در حال حاضر هنوز کسی برای دستگیری و مربیگری تیم ملی جوانان به‌صورت قطعی انتخاب نشده است.



بچه‌ها دشوار بود، اما آنها به‌خوبی شرایط را مدیریت کرده و در کنار تیم‌های دیگر با نظم و انضباط خوبی کار را پیش بردند.

خاطره‌ای خاص و شیرین از آن دوران به یاد دارید؟

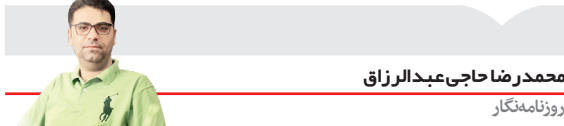
یادم می‌آید دو بازیکن‌مان یعنی رضا حسن زاده و فرشاد فلاح‌ت‌زاده خیلی شکمو و هم‌اتاقی بودند. در هتل ما برای اینکه کسی چیزی به داخل اتاق نبرد، ممنوعیت‌هایی را به‌وجود آورده بودیم، اما این دو بازیکن دم یک نفر را پایین هتل دیده بودند و از او موز و نارگیل می‌گرفتند. فقط برای من جای سوال داشت که آنها نارگیل را با چه چیزی در اتاق‌شان می‌شکستند! موز هم که بسیار ارزان قیمت بود و این دو بازیکن شکمو ما بعضی وقت‌ها کنترل خود را از دست می‌دادند. این در حالی بود که ما کنترل غذایی خوبی داشتیم، اما این دونفر از دست ما در رفته بودند. یادم می‌آید زمانی که به‌همراه آقای پورحیدری به اتاق‌ها سرکشی می‌کردیم، در ساک آنها پر از بسته و فندق و این چیزها وجود داشت. در حالی که ما این چیزها را خودمان برای قوت و انرژی بچه‌ها به‌موقع به آنها تحویل می‌دادیم.

به جز شما و بونزاک چه افراد دیگری دستیار پورحیدری در این رقابت‌ها بودند؟

به‌جز ما دکتر شهرآبادی به‌عنوان پزشک تیم بسیار زحمت می‌کشید. یادش بخیر آن زمان چقدر سرم به ما می‌زد! هر روز به بچه‌ها سرم می‌زدیم، آن‌هم در شرایطی که استقلال مشکلات زیادی از لحاظ مالی داشت. از سوی دیگر مرحوم بونزاک هم زحمات زیادی می‌کشید و جا دارد در این سالگرد دومین قهرمانی آسیا از او هم یاد کنیم.

سال بعد هم در حالی که در آستانه کسب یک قهرمانی دیگر بودید، نایب‌قهرمان آسیا شدید.

درست است. واقعا حیف که نتوانستیم در سال بعد ستاره سوم و قهرمانی آسیا را هم به‌دست بیاوریم و اگر می‌دانستیم امروز تا این حد ستاره ارزش پیدا کرده و یکی از نمادهای اصلی گری‌خوانی می‌شود، این‌قدر راحت آن را از دست نمی‌دادیم. به‌جز آن هم در ۲ دوره دیگر که در هر دو بار میزبان دور نهایی رقابت‌ها بودیم نیز به‌راحتی و خیلی مفت دو ستاره دیگر را هم از دست دادیم. یک‌بار که بازندگی در ورزشگاه آزادی غافلگیرمان کرد و در یک دور هم که حتما به‌یاد دارید در زمان سرمربیگری مرحوم ناصر حجازی چه اتفاقاتی افتاد و آن دور هم خیلی مفت قهرمانی را دادیم و در مقابل انبوه هواداران استقلال نایب‌قهرمان شدید. در واقع فکر این روزها را نمی‌کردیم که این ستاره‌ها چقدر مهم می‌شوند! در همان سال که نایب‌قهرمان



هفتم مرداد سالگرد دومین قهرمانی استقلال در آسیا است؛ افتخار بزرگی که به‌واسطه آن استقلال دومین ستاره را هم بر روی سینه جسیباند تا امروز کری ستاره‌ها بیشتر از هر مورد فنی و غیرفنی دیگری بین هواداران فوتبال در ایران به چشم بیاید. استقلالی‌ها در آن سال‌ها از قدرت‌های بلامنازع آسیا به‌شمار می‌رفتند و جالب اینکه اگر بخت با آنها یار بود، می‌توانستند با همان تیم ۱۹۹۰ در سال بعد هم یک عنوان قهرمانی دیگر را کسب کنند، هرچند ضربات پنالتی در فینال این فرصت را از آنها گرفت تا آخرین قهرمانی آبی‌پوشان به همان سال ۹۰ میلادی یعنی حدود ۲۰ سال قبل در بنگلادش مربوط شود. پرویز مظلومی که در دهه ۶۰ با گلزن‌هایش به‌عنوان یکی از ارکان موفقیت استقلال به‌شمار می‌رفت، در آن دوره به‌عنوان دستیار مرحوم منصور پورحیدری آبی‌پوشان را همراهی و در قامت مربی، قهرمانی آسیا را تجربه کرد. مظلومی که این روزها به‌واسطه سرمربیگری‌اش در تیم ملی جوانان یک بار دیگر نامش بر سر زبان‌ها افتاده از پیشکسوتان خوشنام و با سابقه استقلال محسوب می‌شود و به همین واسطه و به‌بهانه سالگرد قهرمانی آبی‌پوشان در آسیا به‌سراغ وی رفتیم و در مورد این رقابت‌ها با او به گفت‌وگو پرداخته و بعضا خاطره‌بازی کردیم و در لایه‌لای این صحبت‌ها در مورد شرایط اخیر استقلال و برخی انتقادات و اظهاراتی که درباره انتخابش به‌عنوان سرمربی تیم ملی جوانان شده نیز نظراتش را جویا شدیم. گفت‌وگوی «فرهیختگان» با سرمربی جدید تیم ملی جوانان و سرمربی پیشین استقلال را در ادامه می‌خوانید.

III

از سالگرد دومین قهرمانی آسیا آغاز کنیم. چه خاطراتی از این قهرمانی در ذهن شما باقی مانده است؟

قهرمانی در آسیا همه‌اش خاطره است. قبل از برگزاری دور نهایی یک اردوی تدارکاتی را در سالار دره ساری برگزار کردیم و روزی سه جلسه برنامه‌تربینی داشتیم و فشار خوبی را به بچه‌ها در این اردوی ۱۰ روزه آوردیم. باور کنید در این ۱۰ روز ما ۳۰ جلسه تمرین کرده بودیم و با یک آمادگی خوب به بنگلادش رفتیم، ضمن اینکه یک تیم بسیار هماهنگ و خوب هم داشتیم که جمع‌وجور کردن این تیم و انتخاب ترکیب اصلی هم برای کادر فنی و به‌خصوص مرحوم پورحیدری بسیار سخت بود، اما بچه‌ها هر تصمیمی که گرفته می‌شد، با جان و دل می‌پذیرفتند و اگر بیرون از ترکیب می‌ماندند قبول می‌کردند که بیرون نشسته و به تیم کمک کنند. به‌طور مثال در خط هافبک بازیکنان بزرگی داشتیم که از این تعداد فقط باید به ۵ نفر بازی می‌دادیم. حتما می‌دانید که در آن زمان سیستمی که استقلال بازی می‌کرد سه پنج دو بود. البته این سیستم را مرحوم پورحیدری به فوتبال ایران معرفی کرد و اتفاقا بازیکنان هم خیلی خوب آن را اجرا می‌کردند. در این بین دو مهاجم خوب به‌نام عباس سرخاب و صمد مرفاوی داشتیم که میرشاد ماجدی و ایمان عالمی هم ذخیره‌های خوبی برای صمد و سرخاب به‌شمار می‌رفتند. ازسوی دیگر خط هافبک بسیار خوبی با حضور نقراتی مثل شاهرخ بیانی، فونونی‌زاده، نامجموطلق و قلعه‌نویی در ترکیب داشتیم، ضمن اینکه بازیکنانی مثل ابطی و افتخاری را هم به‌عنوان یار کمکی به این رقابت‌ها برده بودیم. پس حتما درک می‌کنید که انتخاب ترکیب اصلی و چینش نفرات با حضور چنین بازیکنانی برای کادر فنی و سرمربی چقدر سخت بود و ما از این لحاظ دشواری‌های خاص خودمان را داشتیم. درنهایت آن انسجام و همدلی که بین بازیکنان وجود داشت، این حس را به‌وجود می‌آورد که باید استقلال موفق باشد و واقعا برای بازیکنان مهم نبود که خودشان بازی می‌کنند یا دیگری؛ یعنی اگر بازی می‌کردند با جان و دل در میدان حضور پیدا کرده و اگر هم روی نیمکت می‌نشستند هر لحظه برای حضور در میدان آماده بودند و در غیر این‌صورت تیم و همبازیان خود را دعا و با نگرانی کار را دنبال می‌کردند. کسی حاشیه نمی‌ساخت و همه دل‌شان در زمین بود و حتی اگر نیاز بود ۵ دقیقه به میدان بروند در همین مدت کوتاه در زمین بیشترین زحمت را می‌کشیدند و سعی می‌کردند برای تیم مفید باشد.

شرایط میزبان به‌عنوان کشوری که صاحب سبک فوتبال نیست چطور بود؟

در بنگلادش سختی زیادی کشیدیم. هوا بسیار گرم و شرجی بود و ناگهان باران‌های شدیدی شروع به بارش کرده و زمین را تبدیل به باتلاق می‌کرد. تمرینات در زمین گریکنی برگزار می‌شد که ته‌آن معلوم نبود، ولی جمعیت و هواداران زیادی برای تماشای مسابقات می‌آمدند که فضای خوبی را ایجاد می‌کرد، با این حال بچه‌ها شرایط را خوب مدیریت کردند و دیگر نیاز به اداره ما نبود، این در حالی است که اکثر تیم‌ها در یک هتل بودند و کنترل کردن

## یادداشت



مهدی فنونی‌زاده بازیکن پیشین استقلال

۹۰ درصد از سهم موفقیت‌های استقلال و قهرمانی‌های این تیم در ایران و آسیا در زمانی که منصور پورحیدری زمامداری این تیم را برعهده داشت متعلق به وی بود چون هم حکم پدر را برای استقلال داشت و هم حکم بزرگ‌تر و هم حکم تدارکات و در مجموع همه کاره بود. هم کوچک خانواده بود و هم بزرگ خانه. یادم می‌آید قبل از اعزام به رقابت‌های دور پایانی جام باشگاه‌های آسیا که در بنگلادش برگزار شد، در سالار دره ساری اردویی را برگزار کردیم و اینکه می‌گفتند رختکن باشگاه پشت صندوق عقب ماشین سرمربی بود، در همین اردو برای ما

منصورخان هم کوچک خانواده بود و هم بزرگ خانه

## استقلال بعد از پورحیدری تیم شد

را برطرف کند. از وقتی که پورحیدری از دنیا رفت، استقلال تیم شد.

به‌خوبی به یاد دارم قبل از اعزام به بنگلادش در انتظار به دنیا آمدن فرزندم بودم و قرار شد باشگاه پول قرارداد ما را که به مبلغ ۱۰۰ هزار تومان بود، پرداخت کند تا بتوانم همسرم را از بیمارستان مرخص کرده و فردای آن روز عازم مسابقات فعلی قبل از آن در صحبتی که با مدیرعامل وقت باشگاه داشتم به او گفته بودم اگر این پول را بگیرم خرج می‌کنم و او هم در پاسخ گفته بود هر زمانی که خواستی ما آن را پرداخت می‌کنیم و

مصدق داشت و منصورخان پشت صندوق عقب ماشینش توپ و وسایل تیم را جابه‌جا می‌کرد و همه زحمات یک‌تنه بر دوش او بود. تیمی که می‌خواست به جام باشگاه‌های آسیا اعزام شود و برای قهرمانی و اعتبار ایران بجنگد حتی یک پزشک هم نداشت چون پولی در کار نبود و همه اینها از بزرگ‌تری خدایم‌رز پورحیدری بود که یک نوع همدلی و اتحاد به تیم بخشید تا استقلال آن دوران بتواند تا این اندازه افتخار کسب کند. هرکدام از بازیکنان که گرفتاری داشتند جای باشگاه به ایشان مراجعه می‌کردند و سعی می‌کرد به هر شکل ممکن مشکلات

این موضوع دقیقا مصادف شد با زمان به دنیا آمدن فرزندم و یک روز قبل از اعزام به بنگلادش. حالا بگرد و آقایان را پیدا کن! قرارمان این بود که به باشگاه بروم و این پول را بگیرم اما هیچ کس در باشگاه نبود و انگار که آن زمان تمام باشگاه همه کرونا گرفته بودند و در باشگاه را بسته بودند. آن زمان منصورخان یک نمایشگاه خودرو در خیابان مطهری فعلی داشت و ما مراجعه به او گفتم با این وضعیت نمی‌توانم همسرم را رها کنم و با تیم به بنگلادش بیایم. او هماهنگ کرد و پیش از دوستان مشترک رفتم و پول بیمارستان همسرم را از

وی گرفتیم و قرار شد در بازگشت از بنگلادش پول قرارداد ما را از باشگاه گرفته و پس بدهم.

مرحوم پورحیدری برای حفظ وحدت و انسجام تیم و اینکه شاکله استقلال از هم نپاشد، چنین کارهایی می‌کرد. در این ۳۰ سال هیچ کس را دیگر مثل منصورخان ندیدم و مطمئنم دیگر مثل او هم نخواهد آمد. حالا که رفته قدر او را بیشتر می‌دانیم. یک‌بار هم سیدحسین حسینی اعلام کرد که منصورخان به او چک ۵۰۰ ملیونی داده و درخواست کرده تا دیگر در خوابگاه باشگاه نماند، چون در شأن بازیکنان استقلال نیست در خوابگاه باشد و از وی خواسته بود تا یک خانه رهن کرده و هر موقع پولش را از باشگاه گرفت طلبش را بدهد. الان دیگر چه کسی این کارها را می‌کند؟ این تفاوت روزهای خوب و بد استقلال است.